

نامه‌های خواجه عبیدالله احرار و بستگان او

دکتر عارف نوشاهی*

The Letters of Khwāja 'Ubayd Allāh Ahrār and his associates / by Jo-Ann Gross and Asom Urunbaev. Published in cooperation with the Al-Beruni Institute of Oriental Studies of the Academy of Sciences of the Republic of Uzbekistan. - Leiden; Boston; Köln: Brill, 2002; xvi + 469pp.+illustrations. ISBN 90-04-12603-1.

چکیده

نامه‌های خواجه عبیدالله احرار و بستگان او عنوان کتابی است که با همکاری دکتر عصام الدین اورنبایف و خانم دکتر جو - آن گروس فرآهم آمده و در سال ۲۰۰۲ م. از طرف انتشارات بریل با همکاری انستیتو مطالعات شرقی بیرونی (وابسته به فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان) منتشر شده است. نامه‌های خواجه عبیدالله احرار... در واقع، صورت حروفی و ترجمه شده مجموعه‌ی مرامات است که دستنویس آن در انستیتو مطالعات شرقی بیرونی در تاشکند نگهداری می‌شود و شامل ۵۹۴ نامه به دستخط ۱۶ نفر از مشایخ و اکابر ماوراءالنهر و خراسان، خطاب به میرعلی شیرنویبی (۸۴۱ یا ۸۴۴ - ۹۰۶ ه. ق) است. ۱۲۸ نامه از این مجموعه، مربوط به خواجه عبیدالله احرار است.

*. استاد دانشگاه لاهور (پاکستان).

نامه‌های خواجه عبیدالله احرار... در دو بخش، تهیه گردیده است. در بخش نخست، که شامل سه مطلب است، توضیحاتی درباره‌ی طریقت نقشبندیه و خواجه عبیدالله احرار، مجموعه‌ی مراسلات و معرفی نسخه‌ی خطی مجموعه‌ی مراسلات و نامه‌نگاران، ارائه داده شده است. بخش دوم، شامل ترجمه‌ی انگلیسی نامه‌ها و متن فارسی آنها است. کتاب در بردارنده‌ی سه پیوست نیز هست: نمایه‌ها به حروف لاتین، نمایه‌ها به حروف فارسی، چاپ فاکسیمیله‌ی مجموعه‌ی مراسلات و تصاویر مزار خواجه احرار و دیگر ساختمانهای سمرقند، هرات و تاشکند. با وجود زحمات بسیار، که دکتر عصام‌الدین ارونبایف در قرائت نامه‌ها متحمل شده است، چند نکته‌ی ضعف در آنها مشاهده می‌شود، که عبارتند از: ۱. عدم مطابقت متن چاپ شده با اصل. ۲. اشکالات املائی فارسی. ۳. اشتباهات تایپی. ۴. اشکالات وارد بر نظرات فراهم‌آورندگان نامه‌ها.

۱

نامه‌های خواجه عبیدالله احرار و بستگان او [از این به بعد فقط نامه‌های احرار] عنوان کتابی است که در ۲۰۰۲ انتشارات بریل با همکاری انستیتو مطالعات شرقی البیرونی وابسته‌ی فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان (تاشکند) منتشر کرده است. بریل (تأسیس ۱۶۸۳ م) با سه شعبه در لایدن و بوستون و کولن یکی از معتبرترین ناشران کتابهایی در زمینه‌ی خاورشناسی و اسلام است و نشانه‌ی او بر روی جلد علامت اعتبار تحقیق و تفحص دارد. من شاید تا مدتی دیگر از مطالعه‌ی کتاب «نامه‌های احرار» محروم می‌ماندم، اگر دوستم دکتر نجدت طوسون (Necdet Tosun) استاد دانشکده‌ی الهیات دانشگاه مرمر، استانبول عکس این کتاب را برای من به اسلام‌آباد نمی‌فرستاد. او می‌داند که حوزه‌ی مطالعات من خواجه عبیدالله احرار (۸۰۶ - ۸۹۵ هـ) است. در روزهایی که کتاب احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار (چاپ مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۰) را آماده می‌کردم، این دوست دانشمند فارسی‌دان از خزائن ترکیه منابع نقشبندیه را عکس می‌گرفت و برای من به پاکستان می‌فرستاد و اکنون مکرر لطف فرمود و این کتاب گران‌قیمت را - که هنوز از انتشار آن چند ماه نگذشته بود و شاید به این زودیها به کتابفروشیها و کتابخانه‌های پاکستان نمی‌رسید - در اختیارم گذارد. این حکایت از سعه‌ی صدر علمی او دارد و پاداش آن نزد خداوند بزرگ است.

باری نامه‌های احرار با همکاری دکتر عصام‌الدین ارونبایف و خانم دکتر جو - ان

گروس فراهم آمده است. دکتر ارونبايف تاريخ‌دان و نسخه‌شناس معروف ازبکستان است و تا مدتی مدير انستيتو مطالعات شرقي البيروني بوده است و از کارهای مهم او ترجمه و چاپ نامه‌های عبدالرحمان جامی است (نک: دنباله مقاله). خانم دکتر گروس استاد تاريخ در دانشکده نيوجرسی، ایالات متحده امریکا است و در سالهای اخير توجه ایشان به پژوهشهایی در تاريخ اجتماعي و اقتصادي نقشبنديه در آسیای میانه بوده است و در این زمینه کتاب و مقالات متعددی ارائه داده است. از آن جمله کتاب *Muslims in Central Asia: Expressions of Identity and Change* چاپ ۱۹۹۲ م.

کتاب نامه‌های احرار در واقع صورت حروفی و ترجمه شده مجموعه مراسلات است که نسخه خطی آن در انستيتو مطالعات شرقي البيروني، تاشکند، شماره 2178 نگهداری می‌شود و شامل ۵۹۴ نامه به دستخط ۱۶ نفر از مشایخ و اکابر ماوراءالنهر و خراسان خطاب به مير علی شیرنوایی (۸۴۱ یا ۸۴۴ - ۹۰۶ هـ) است. به همین مناسبت گاهی این مجموعه آلبوم نوایی / مرقع نوایی نیز خوانده شده است. این مجموعه یعنی نامه‌های اصلی را محمد شريف خان مخدوم معروف به صدرضیا (۱۸۶۷ - ۱۹۳۲ م) که آخرین «قاضی کلان» بخارا در امارت عالم خان (۱۹۱۰ - ۱۹۲۰) بود، در سال ۱۹۳۸ م به بخش نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی دولتی نوایی بخشید و در ۱۹۳۹ م عبادالله عادل اف (م ۱۹۴۴) از روی آن دو نسخه استنساخ کرد که هر دو در انستيتو مطالعات شرقي البيروني، شماره 4245 و 5136 محفوظ است. مجموعه مراسلات در ۴۶ برگ کلان در اندازه ۲۹×۴۱ سانتی‌متر است و همه ۵۹۴ نامه بدون هیچ ترتیبی روی برگها چسبان شده است.

توجه و علاقه مورخان شوروی به مجموعه مراسلات به حدی بوده است که از ۱۹۴۹ م. تاکنون ده‌ها مقاله و تحقیق درباره این مجموعه چاپ کرده‌اند (نک: کتاب مورد بحث، ص ۶۸ - ۶۵) که یکی از آنها رساله دکتری عصام الدین ارونبايف در سال ۱۹۸۴ م. درباره همین مجموعه است.

در مجموعه مراسلات نامه‌هایی از مشایخ به شرح ذیل گرد آمده است:

۱. مولانا نورالدین عبدالرحمان جامی (۸۱۷ - ۸۹۸ هـ)، ۳۳۷ نامه. دکتر عصام الدین ارونبايف این قسمت نامه‌ها را به صورت فاکسیمیله با ترجمه و حواشی روسی در ۱۹۸۲ م. در تاشکند چاپ کرد و بعد از آن دو چاپ دیگر غیر فاکسیمیله به عمل آمد، یکی به نام نامه‌های دستنویس جامی، به کوشش عصام الدین ارونبايف و رضا مایل

هروی، کابل، ۱۹۸۷؛ دیگری به نام نامه‌ها، عبدالرحمان جامی، تهیه و مقدمه و توضیح از عصام‌الدین ارونبایف و اسرار رحمانوف، دوشنبه، ۱۹۸۹ م.
۲. خواجه عبیدالله احرار، ۱۲۸ نامه.

۳. محمد بن امین الدین، ۴۴ نامه. هویت او مشخص نیست. از محتویات نامه‌های او قطعی است که او از مردم خراسان بوده است. او در نامه‌های خود بیشتر از اهالی طبس و قاین و قهستان سفارش کرده است. در یکی از نامه‌ها (شماره (430a) 425) می‌نویسد: «دارندگانِ رقعہ از خویشان این فقیراند ساکن ولایت طبس»؛ و در نامه‌ای دیگر (شماره (437) 432) سفارشی از مردی صالح و فقیر و محتاج که در مسجد فیروزآباد قاین مؤذن بود، کرده است. از اینجا می‌توان حدس زد که محمد بن امین الدین همان شمس الدین محمد بن امین الدین قاینی باشد که معین الدین محمد زمچی اسفزاری (م ۸۹۹ هـ) او را چندبار در هرات دیده بود^۱ و از او دعا آموخته بود. حسامی واعظ قهستانی در تاریخ قهستان وی را از مشایخ سلسله زینبیه [کذا: زینبیه منسوب به زین الدین خوافی] و مقتدای اهل سنت معرفی کرده است.^۲

۴. میر عبدالاول نیشابوری (م ۹۰۵ هـ)، خلیفه و داماد خواجه احرار، ۲۷ نامه که از آن میان ۱۵ نامه مستقل به امضای خود و ۱۲ نامه مشترک به امضای مولانا قاسم نوشته است.

۵. خواجه علی تاشکندی، مرید خواجه احرار، ۲۲ نامه.

۶. مولانا قاسم فرکتی (م ۸۹۱ هـ) مرید محبوب خواجه احرار، ۴ نامه مستقل به امضای خود و ۴ نامه به اشتراک امضای خواجه علی و ۱۲ نامه به اشتراک میر عبدالاول نیشابوری نوشته است.

۷. محمد تبادکانی (م ۸۹۱ هـ)، خواجه احرار او را در ۸۶۶ هـ در سمرقند دیده بود، ۵ نامه.

۸. خواجه محمد یحیی (گشته ۹۰۶ هـ) فرزند خرد خواجه احرار، ۶ نامه.

۹. خواجه محمد عبدالله (م ۹۰۸ هـ) فرزند کلان خواجه احرار، ۳ نامه.

۱۰. خواجه محمد بن حسن بن علاء العطار، ۳ نامه.

۱۱. ابوسعید اوبهی، مرید خواجه احرار، ۳ نامه.

۱۲. سعدالدین (احتمالاً کاشغری، م ۸۶۰ هـ)، ۲ نامه خطاب به سلطان ابوسعید.

۱۳. محمد بن عبدالملک، ۱ نامه.

۱۴. تقی الدین محمد کرمانی، پدر زنِ خواجه محمد عبدالله بن احرار، ۱ نامه.

۱۵. صوفی علی خراسانی، مرید شیخ زین الدین خوافی، ۱ نامه.

۱۶. محمد خواجه؟ ۱ نامه.

کتاب «نامه‌های احرار» در دو بخش تهیه شده است:

بخش اول شامل سه مطلب است: ۱) «نقشبندیه و خواجه عبیدالله احرار» نوشته خانم جو - ان گروس؛ ۲) «مجموعهٔ مراسلات به عنوان مأخذ تاریخ ماوراءالنهر و خراسان در روزگار تیموریان متأخر» نوشتهٔ خانم جو - ان گروس؛ ۳) «معرفی نسخهٔ خطی مجموعهٔ مراسلات و مؤلفان (یعنی نامه‌نویسان)» نوشتهٔ عصام الدین ارونبایف، با ترجمه و ویرایش دکتر جو - ان گروس.

بخش دوم شامل ترجمهٔ انگلیسی نامه‌ها (به قلم دکتر گروس) و متن فارسی (به قرائت دکتر عصام الدین ارونبایف) است.

پیوست‌ها:

الف) نمایه‌ها به حروف لاتین دارد، مشتمل بر فهرست منابع، فهرست مؤلفان و نامه‌های آنان، فهرست عمومی اشخاص، فهرست موضوعی، فهرست اماکن.

ب) نمایه‌ها به حروف فارسی نیز دارد، مشتمل بر فهرست نامهای مؤلفان رقعات، فهرست نامهای اشخاص، فهرست اصطلاحات، جایها، کتابها، نام‌های قبایل.

ج) چاپ فاکسیمیلهٔ مجموعهٔ مراسلات و تصاویر مزار خواجه احرار و دیگر ساختمانهای سمرقند و هرات و تاشکند.

در بخش دوم کتاب ۲۵۷ نامه از ۱۵ نویسنده عرضه شده است. چون ۳۳۷ نامهٔ جامی در مجموعهٔ مراسلات بیشتر به کوشش دکتر ارونبایف چاپ شده است، در این چاپ مشترک ارونبایف و گروس جای داده نشده است. خواندن این نامه‌ها، که به خطوط رُقعیه، نسخ و شکسته تحریر شده است، کار آسانی نبود. هر کسی به تصاویر نامه‌ها نگاه کند، پی می‌برد که برای خواندن نامه‌ها، به ویژه نامه‌های خواجه احرار که در آن نقطه‌گذاری رعایت نشده است^۳ و بعضی دیگر که به صورت چلیپا نوشته شده است، چه مهارت و ممارستِ نسخه‌خوانی لازم است. عباد الله عادل اف - نخستین ناقلِ مجموعهٔ مراسلات - در رونویسی خود [شمارهٔ 4245] به مشکلات خواندن این نامه‌ها اشاره دارد. دکتر ارونبایف از عهدهٔ خواندن نامه‌ها خوب برآمده است و چه بسا که از روی نوشتهٔ عادل اف هم کمک گرفته باشد. دکتر جو - ان گروس که عهده‌دار تألیف

بخشی ازین کتاب است، در تحقیقات خود سنگ تمام گذاشته است و تخصص مطالعات خود را در زمینه تاریخ نقشبندیه به اثبات رسانیده است.

۲

۲۵۷ نامه خواجه احرار و بستگان او منبعی سودمند تاریخ آسیای میانه و طریقه نقشبندیه در سده نهم هجری است. چون در این مجموعه بیشتر نامه‌ها از آن خواجه احرار است (۱۲۸ نامه)، به خوبی از آنها می‌توان پی‌برد که این شیخ بزرگ نقشبندیه ماوراءالنهر چه نقوذی در دربار هرات داشت؛ چگونه از مردم ستم‌دیده و حاجت‌مند حمایت می‌کرد، در نزاع‌های سیاسی چه تلاشهایی برای صلح به خرج می‌داد. مسایل و مشکلات روزمره مردم خواجه احرار را آسوده نمی‌گذاشت و او برای کوچکترین «مشکلی» مانند عبور و مرور مردم عادی از خراسان به ماوراءالنهر و از ماوراءالنهر به خراسان به دربار هرات سفارش می‌کرد (ر.ک: نامه شماره (303) 299؛ (314) 310).

به وضوح معلوم نیست که مخاطب یکی یکی ۲۵۷ نامه در این مجموعه کیست؟ اما چنان به نظر می‌رسد که بیشتر نامه‌ها خطاب به میرعلی شیرنوی و ملازمان او نوشته شده است که تصویر خوبی از روابط روحانیت با حاکمیت سیاسی را ارائه می‌دهد. خواجه عبیدالله احرار همیشه وظیفه شرعی می‌دانست که حاکمان وقت را از حرکات غیر شرعی بازدارد و به ترویج شریعت محمدی وادارد (نامه (326) 323). او به علم و علما حرمت قائل بود و از دربار نیز می‌خواست که علما را محترم و مکرم بدانند. در این مورد نامه‌ای که به دربار نوشت، بدین عبارت است:

... این فقیر را وظیفه آن می‌بود که همیشه از حضرت سلطان شهید [سلطان ابوسعید] التماس می‌کردم که در زمان سلطنت شما ارباب دانش که حق سبحانه به محض عنایت بی‌علت مظاهر انوار دانش که عکوس تجلیات بی‌نهایت حق سبحانه‌اند مشرف شده‌اند، به اقصی وجوه در احترام ایشان کوشید. حالا نیز بی‌ادبی بیشتر کرده التماس می‌کنم که نگاهداشت جانب‌عزیزانی که مظاهر انوارند از برای ترویج علم و شریعت از خدمت شما بسیار باشد. اگر چه این فقیر را حد آن نیست خدمت شما یقین که آنچه باید به تقدیم به اضعاف به آن جماعت که محل عنایت‌اند رسانیده آید. با این همه التماس می‌کنم که خالصاً لوجه سبحانه تمامی عزیزانی که حق سبحانه

ایشان را مشرف به انوار دانش گردانیده محترم و مکرم باشند. (نامه 325) (321) کسانی که خواجه احرار را از دید یک «شیخ طریقت» نگاه می‌کنند و البته حیثیت و شهرت او نیز بدین عنوان مسلم است، قطعاً از خواندن نامه‌های او در این مجموعه مأیوس می‌شوند، زیرا این نامه‌ها فاقد دقایق و معارف عرفانی - که خاصهٔ مکتوبات شیوخ طریقت است - می‌باشد و «عرضه داشت» های اجتماعی بیش نیست که برای مورخان تاریخ اجتماعی سودمند است.

یادآوری این نکته خالی از فایده نیست که خواجه احرار علاوه بر ۱۲۸ نامه که در این مجموعه چاپ شده است، نامه‌هایی نیز دارد که در کتاب احوال و سخنان خواجه عیدالله احرار (صفحات ۵۴۱ - ۵۷۲) منتشر کرده‌ام. در کتابخانه‌های لنین‌گراد و دوشنبه و تاشکند مجموعه‌هایی از مکتوبات احرار وجود دارد که برخی از آنها (دوشنبه، 146/II، ر.ک: احوال و سخنان...، ص ۵۴۴) همان است که چاپ کرده‌ام و بعضی دیگر هنوز بررسی نشده است.

۳

اکنون می‌پردازیم به چند نکتهٔ ضعیفی که در این مجموعه دیده می‌شود. این نکات ضعف را می‌توان به ۴ دسته تقسیم کرد:

۱. قرائت متن نامه‌ها در مواردی با اصل مطابقت ندارد.
۲. گزینش املاهای فارسی استاندارد نیست و در مواردی محل اشکال است.
۳. در بخش فارسی اشتباهات تایپی به کثرت دارد.
۴. با برخی نظریات گردآوردندگان این کتاب می‌توان اختلاف کرد. اینک از هر چهار مقوله به چند مثال اکتفا می‌کنیم.

۱. عدم مطابقت متن چاپ شده با اصل

شمارهٔ نامه	مطابق چاپ شده	مطابق اصل
13	گر نگویم آنچه دارم درون	گر نگویم آنچه دارم در درون
14	خواجه علی به ملازمان	خواجه علی به ملازمت
	استفاد استغفار	استغفار استغفار

استقامت
و السلام

استقامت
و اسلام
15 در زمانی که تفرقه محاصره
بران طرف است.

در این عبارت کلمات «تفرقه محاصره»
مخلی معنی است و در اصل نیز به خط
غیر از متن در حاشیه آمده است و
در جای اصلی کلمات محو شده است
باری من این عبارت را چنین می‌خوانم:
در زمانی که... بر آن طرف آب

آن چیز ندارند
[به] آن خریدارنده
گستاخی
استاخی

18

خواجه احرار در همه نامه‌های خود «استاخی» نوشته است، اما مصحح آن را در
تمام موارد به «گستاخی» تبدیل کرده است. در حالی که استاخی نیز به همان مفهوم
گستاخی است و استاخ به معنی گستاخی در فرهنگ‌های قدیم و جدید مانند برهان
قاطع، فرهنگ حسین وفایی و فرهنگ دکتر محمد معین آمده است.

یقین کرده‌اند
تعیّن کرده‌اند
25(26)
«از اوج عزیمت...»
21(52)

در محلی که مصحح سه نقطه گذاشته و در پاورقی نوشته که دو کلمه
روشن نیست آن را باید «تنزلی بی» خواند.

با یکدیگر معد متفق شوند
با یکدیگر همه متفق شوند
58(61.63)
بالتامی
بتمامی

هم آن خواهد آمد
همه آن خواهد آمد

برخلاف این طریقه پیشین
هر عنایت
266(271)
279(283)

حشمت و شوکت
حقیقت و شوکت
280(284)

بگاہ دارند
نگاه دارند
282(286)

که برای یافت
از برای یافت
283(287)

بگرفتاریهای امثال این فقیر	بگرفتاریها امثال این فقیر	284(288)
گرفتار نگردند	گرفتار نکردند	
خمیر	تخمیر	
شاید که خلاقی	شاید خلاقی	292(296)
کجا روند گدایان ز آستان کریم	کجا روند گدایان از آستان کریم	301(305)
مشمول گردانیده	مشغول گردانیده	305(309)
تا سوال و تا جواب آید دراز	تا سوال تا جواب آید دراز	
بجناب خود	بجناب خود	308(312)
	خبرها واقع است	309(313)
	خیری واقع شد... چیزی که مخالف است واقع نخواهد شد	312(316)

هر سه کلمه که با قلم سیاه مشخص شده، یکی است که مصحح به سه گونه خوانده است.

315(319) از خود چو گذشتی همه عیش و خوشی

نیست شو تا هستیت از پی رسد

مصحح این دو مصراع را به گونهٔ نثر آورده است!!

327(331) محنتی بر او نرسد محنتی به او نرسد

330(334) التماس دارد التماسی دارد

378(384) اشتغال نموده اشتغال نموده

426(431) آن قاعد علمی آن فائده علمی

438(443,445) کس نیک ببیند بهردو سرای کسی...

ز روی فروماندگی یاد کن ز روی فروماندگی...

مصحح محترم بعد از مصراع «که خلق از وجودش در آسایش است» این بیت را از قلم انداخته است:

خداوند دولت غم دین خورد که دنیا به هر حال می‌بگذرد

چون فقیری عاجزی درد دلی می‌گویدت [از حال خویش]

مصحح در حاشیه توضیح داده که [از حال خویش] وزن شعر را مختل کرده است.

تصویر این نامه نشان می‌دهد که نام‌نویس این سه کلمه را خط زده است، پس نبایستی

مصحح این را جزو متن قرار می‌داد. همین مورد در نامهٔ (446) 660 نیز دیده می‌شود.

گوش با درد دل.... گوش با درد دلی...

از... ایشان را معاش بگذرد. 452(458)

مصحح در جای سه نقطه لفظی نوشته و در حاشیه می نویسد که متن ناخواناست و کلمه «ممر» خوانده می شود. و همین صحیح است و باید به متن برده شود.

برای درک وصال تو عمر می طلبم 453(459)

مصراع است که به صورت نثر چاپ شده است.

هر آینه وظیفه نیازمندان جز دعا و فاتحه نیست 466(472)

مصحح این را به عنوان مصراع ثبت کرده است، در صورتی که عبارت به نثر است.

عفو و تجاوز بسیار مبارک است عفو و بخشایش... 491(697)

عرضه داشت این فقر ... این فقیر 538(544)

خاطر شریف [در] دربار ملازمت دارند.

مصحح در حاشیه می نویسد که کلمه داخل پرانتز یعنی [در] برای روشن کردن مطلب

اضافه شده است و مترجم انگلیسی نیز این جمله را چنین ترجمه کرده است:

Your noble mind may continue to serve at court (*darbār*)

اضافه «در» بیجاست و عبارت «خاطر شریف در بار ملازمت دارند» واضح است.

«در بار» یعنی زیر فشار و ملالت.

فرجی به دل او رسد

فرجی بدل او رسد

خاطر شریف

خواطر شریف

551(558)

خاطر شریف ملتفت به احوال

خاطر شریف به احوال

552(559)

بقدر الوسع

بقدر الواسع

565(571)

قرة العین

قر... العین

588(594)

تعدادی از برگهای مجموعه مراسلات چاپ فاکسیمیله نشده است و از خواننده امکان مقابله همه نامه های چاپ حروفی را می گیرد. چه خوب بود که عکس تمام نامه ها که در این مجموعه قرار گرفته است، عرضه می شد.

۲. اشکالات املائی فارسی

الف). املائی که مصححان برگزیده اند به هیچ وجه استاندارد نیست. مثلاً تاء خیر (ص ۱۲۴)، متاءلم (ص ۱۳۱)، تاءید (ص ۱۵۵)، متاءهل (ص ۲۱۷)، جصرات (ص

۲۱۷)، ماء لوف (ص ۲۴۷) الماء مور (ص ۳۵۳)، ماء لوفه (ص ۳۶۲). که در تمام موارد همزه را باید بالای الف گذاشت. حیوه (ص ۱۳۸) را باید حیوة نوشت. ب) مصححان در نقلِ نامه‌ها از هیچ گونه اعراب و علائم وقف استفاده نکرده‌اند و عبارات را مسلسل (بدون ویرگول، نقطه) چاپ کرده‌اند که أخذ مطلب و مفهوم را دشوار ساخته است.

۳. اشتباهات تایپی

شمارهٔ نامه	صورتِ چاپ شده	صورت صحیح
13	اشتغال ادوام	اشتغال و دوام
14	الطاف اعنایت	الطاف و عنایت
	دربراه	درباره
25(26)	چننین	چنین
49(50)	چننین	چنین
58(61,63)	درانده صحیفه	دارندهٔ صحیفه
59(62)	چننین	چنین
267(272)	بغاط	بخاطر
387(393)	نقل کرده‌اند	نقل کرده‌اند
441(447)	ملتف	ملتفت
451(457)	فرومانگی	فروماندگی
458(464)	دارندهاء رقعہ	دارنده‌های رقعہ
	مایحتاج	مایحتاج
	مکارم احلاق	مکارم اخلاق
461(467)	مقاصد دینی و نبوی	مقاصد دینی و دُنبوی
466(472)	نیکه دارد	نگه دارد
ص ۳۴۰	495(501)	496(502)
538(544)	شمار	شما را
587(593)	نی گناهست	بی گناهست

در بخشِ نمایه‌های فارسی (ص ۴۴۹ - ۴۶۹) اشتباهات تایپی در حدِّ تأسف‌انگیز

فراوان است و معلوم نیست چرا مؤلفان کتاب از آنها چشم‌پوشی کرده‌اند؟ مهم‌ترین مورد اشتباه در این بخش کلمه «الله» است که در سرتاسر بخش نمایه‌ها به صورت «اللاه» درآمده است. مثلاً:

سعدالله، اقل عبداللاه، الداعی سعد اللاه، عبیدالله...
اما اشتباهات دیگر نیز کم مقدار نیست، مثلاً:

صفحه	خطا	صواب
۴۴۹	فهرست نام‌هایی مؤلفان قعات (۲ بار)	فهرست نام‌های مؤلفان رقعات
۴۵۰	امیر شجاع‌الدین سیدبدر	امیر شجاع‌الدین...
۴۵۱	شمس الحق تبریزی	شمس الحق تبریزی
۴۵۲	خواجه عبدالواحد	خواجه عبدالواحد
۴۵۵	مولانا نظام‌الدین / مولانا نظام‌الین	مولانا نظام‌الدین
	فهرست اصطلاحات	فهرست اصطلاحات
ضمناً در این فهرست ترتیب الفبایی دقیق نیست مثلاً دال (ادب) را بر جیم (اجنبی) تقدیم داشته‌اند!!		
۴۵۷	مارت مآب	امارت مآب
۴۵۹	حامل رقه	حامل رقه
۴۶۰	حقوق دوستیو	حقوق دوستی و
	حیه حقیقی یعنی	حیوة حقیقی یعنی
۴۶۱	داد حواهان	داد خواهان
۴۶۸	بدخشا	بدخشان
۴۶۹	خانقله	خانقاه
	دار الاحسان هراه	دار الاحسان هراه

۴. اختلاف نظر با مؤلفان

۱. دکتر جو - ان گروس در مقاله‌های خود که در این مجموعه به عنوان مقدمه آمده است، مسموعات میر عبدالاول نیشابوری را biography یعنی زندگینامه خواهه احرار قلمداد کرده است (ص ۴۶، ۷۴). مسموعات چنان که از عنوانش پیداست شنیده‌های

میرعبدالاول است از زبانِ خواجه احرار، که در ادبیات عرفانی اسلامی به آن «ملفوظات» نیز گفته‌اند. در مسموعاتِ میرعبدالاول هر چند اشارات متعدد به وقایع زندگیانی خواجه احرار موجود است، اما این کتاب را نمی‌توان زندگینامه به معنی عرف آن گفت، زیرا هیچ تبویب موضوعی ندارد و من در مقدمه خود بر چاپ مسموعات در احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار سخن‌های گفتنی را گفته‌ام.

۲. دکتر گروس نوشته است که خواجه علی تاشکندی مثل عبدالاول، مرید و داماد خواجه احرار بود (ص ۷۶). این خبر نه سند دارد و نه صحت. داماد دیگر خواجه احرار میر عبدالله بن تقی الدین محمد کرمانی بود (ر.ک: احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار، ص ۶۸، ۷۱).

۳. نام سید تقی الدین محمد کرمانی با حرف نون سید تقی [Naqi] آمده است (ص ۸۴) که خطاست. خود خانم گروس در ص ۸۸ ضبط درست تقی الدین آورده است.

۴. چاپ جغرافیای حافظ ابرو قسمت ربع خراسان | هرات به نجیب مایل هروی منسوب شده است (ص ۷۴، پاورقی ۷۶). این کار پدر ایشان رضا مایل هروی است که معمولاً نام کوچک ایشان [رضا] چاپ نمی‌شد و در چاپ مذکور هم فقط مایل هروی ثبت شده است. ضمناً خانم گروس نام کتاب را «قسمت ربع خراسان و هرات» نوشته است که واو زائد است.

۵. خانم گروس نام پدر خواجه احرار را خواجه محمد نوشته است (ص ۱۴۶، حاشیه ۶۴). نام پدر خواجه احرار محمود است چنان که خود خانم گروس در جاهای دیگر کتاب نوشته است.

۶. در فهرست منابع (Bibliography) منبعی بدین صورت ضبط شده است «امیر نظام الدین علی شیر بن شرف خان ولی ممالک هندوستان نوشته» (ص ۴۳۰). ازین مأخذ من چیزی نفهمیده‌ام که منظور چه کتابی است؟

۷. چاپ نفحة الروح... به مایل هروی منسوب شده است (ص ۴۳۰) که البته منظور آن نجیب مایل هروی است. برای تمییز کارهای این پدر و پسر دانشمند باید نام کوچک آنان را نوشت.

۸. قندیّه و سمریّه هم در منابع اولیه (ص ۴۳۰) و هم در منابع ثانوی (ص ۴۳۲) آمده است که انساب بود فقط در یکی از فهارس منابع می‌آمد.

پی نوشتها

۱. روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، با تصحیح و حواشی و تعلیقات محمد کاظم امام، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ ش، ص ۳۰۹ - ۳۱۰.
۲. به نقل از بزرگان قانن تألیف سید محسن سعیدزاده، قم، ۱۳۶۹ ش، ج ۱، ص ۵۲۸.
۳. خواجه احرار خود می گوید که خط من خط یاقوت [مستعصمی] نیست، خط شکسته است که مردم به تشویش می خوانند (احوال و سخنان خواجه عبدالله احرار، ص ۳۴). البته باید به خاطر داشت که مولانا خواجه علی ناشکندی نامه نویسی خواجه احرار بود. خواجه احرار املاء می کرد و او می نوشت و معلوم نیست که رقعاتی که اکنون با امضای «الفقییر عبدالله» در مجموعه مراسلات دیده می شود به خط احرار است یا از قیل او به دستخط خواجه علی؟ (ر.ک: رشحات عین الحیات، تهران، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۶۳۳ - ۶۳۴).
۴. شعر از بوستان سعدی است و در باب دوم دوبار تکرار شده است. در تصحیح محمد علی فروغی «ز روز فروماندگی یاد کن» ضبط شده، اما در اصل نامه مورد بحث «ز روی...» نوشته است.



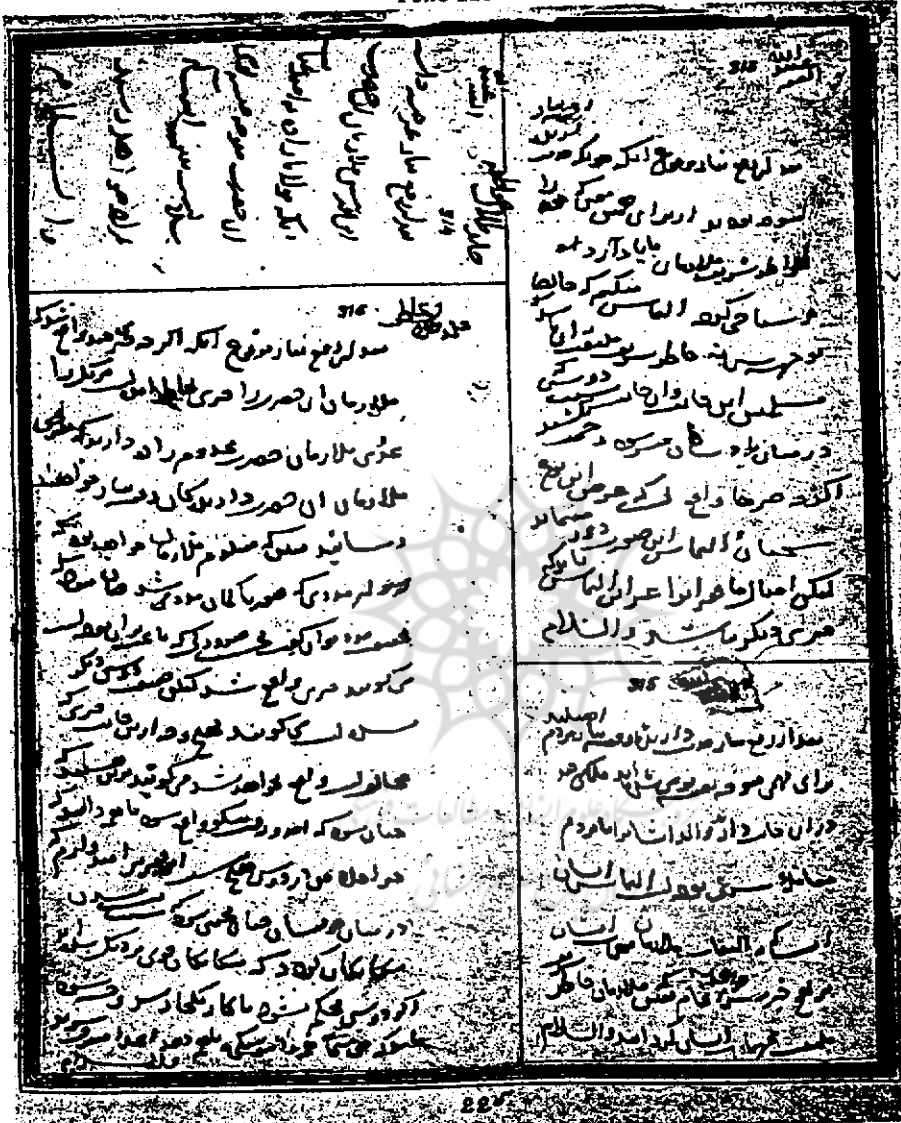
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سخا
 228
 خداوند بخیر بدارد و بفرستد
 جو ازین دنیا و بهشت سازد
 که در این عالم کند هر چه میسر آید
 و در آنجا برسد و در آنجا بماند
 و از آنجا برود و از آنجا آید
 و از آنجا برود و از آنجا آید
 و از آنجا برود و از آنجا آید
 و از آنجا برود و از آنجا آید
 و از آنجا برود و از آنجا آید
 و از آنجا برود و از آنجا آید
 و از آنجا برود و از آنجا آید
 و از آنجا برود و از آنجا آید

سخا
 229
 خداوند بخیر بدارد و بفرستد
 جو ازین دنیا و بهشت سازد
 که در این عالم کند هر چه میسر آید
 و در آنجا برسد و در آنجا بماند
 و از آنجا برود و از آنجا آید
 و از آنجا برود و از آنجا آید
 و از آنجا برود و از آنجا آید
 و از آنجا برود و از آنجا آید
 و از آنجا برود و از آنجا آید
 و از آنجا برود و از آنجا آید
 و از آنجا برود و از آنجا آید
 و از آنجا برود و از آنجا آید
 و از آنجا برود و از آنجا آید
 و از آنجا برود و از آنجا آید

نقد و بررسی / نامه‌های خواجه احرار عبدالله...

نمونه دستخط خواجه احرار برگرفته از نامه‌های او



نمونه دستخط خواجه احرار برگرفته از نامه‌های او

آنچه

دوره جدید سال دوم شماره دوم تابستان ۱۳۸۳ (پیاپی ۲۵)